



بازاریابی شبکه‌ای از روزه فقه

■ به کوشش سید عبدالله عمادی

بازاریابی نیست. تنبل‌پرور بودن سیستم را هم در کسانی می‌توان دید که دارای زیرمجموعه‌های زیادی هستند به قول شما، بازنشسته شده‌اند.

افزون بر اینکه چون معامله، اینترنتی است و خریدار توسط سرشاخه درباره مسائل، توجیه می‌شود و پول محصول را به او می‌دهد، امکان کلاهبرداری وجود دارد. چه توسط بالاسری‌ها، چه کمپانی گلدکوشت. خریدار به‌طور دقیق خواستگاه‌های کمپانی و اهداف آن را نمی‌داند معلوم نیست پول صرف چه کارهایی می‌شود! صاحبان امتیاز یهودی‌اند یا غیره؟ آیا تعادل در مجموعه به نفع شرکت است یا فرد؟ ... و ده‌ها سؤال دیگر که برای مشتری مجهول است و تنها از گفته بالاسری گمان حاصل می‌کند و بالاسری آن‌هم چوب بالاسری خود را می‌خورد و هیچ‌کدام گفته‌های مستند و یقینی ارائه نمی‌دهند.

البته در جواب این سؤال‌ها، نمی‌خواهیم بگوییم که صاحبان شرکت افرادی هستند وابسته به صهیونیسم با هدف مخرب و مصرف‌های ضد اسلامی و این سیستم را طوری وضع کرده‌اند که عملاً به جز چند نفر معلوم، کسی به سود نرسد، ولی تکزب هم نمی‌کنیم.

B: حاج آقا، حالا که کسی از هر راهی اطمینان پیدا کرد که تجارت سالمه، اهداف خیر است و انسان‌های خیرخواهی‌اند که می‌خوان به کشورهای جهان سوم کمک کنن و با یقینی که به دست آورده، هرگونه احتمال کلاهبرداری رو رد کنه، چطور؟ پس واسه اون حلال می‌شه؟

حاج آقا: نه، این طور نیست! اگر مجتهد موضوعی را تشخیص داد و بر حرمت آن فتوا داد، بقیه حق ندارند بگویند که آن اشتباه است و تشخیص من چیز دیگری است. شنیده می‌شود که بعضی افراد فکر می‌کنند، مراجع، اطلاعات غلط دریافت کرده‌اند و تحقیق لازم را انجام ن داده‌اند، در حالی که این طور نیست. آیا اطلاعات و دلائلی که من از طرف مراجع به شما ارائه کردم، غلط و بی‌اساس بود؟

B: خیر، اطلاعات شما خیلی دقیق و دلائل شما منطقی و اساسیه.

حاج آقا: تازه این دلائل یک طرف و دلیل آخر هم یک طرف.

اینکه یک معامله اگر سالم هم باشد، نباید مضر به عموم مسلمانان و برخلاف مصالح اقتصادی مملکت اسلامی باشد. من درصدد نیستیم که ثابت کنیم گلدکوشت به اقتصاد جامعه اسلامی ضرر می‌زند. این را از متخصصان اقتصادی بپرسید. اما آنچه برای همه روشن است، این است که فعالیت شبکه‌ای در این گونه شرکت‌ها خلاف قانون جمهوری اسلامی است و به تعبیر حضرت امام، تبعیت از قانون بر همه واجب است. پس انجام کاری برخلاف قانون و بالاتر از آن وادار کردن دیگران به انجام آن حرام مسلم و پولی که از آن به دست می‌آید نامشروع است.

B: خیلی متشکرم، حاج آقا! واقعاً که صحبت‌های شما بسیار متقن و روشن و قانع‌کننده بود.

هم‌چنین بازاریابی در حقیقت همان جعاله است؛ یعنی انسان در مقابل کار معینی که برای او انجام می‌دهند، مبلغ معینی را بدهد. اما بازاریابی شاخه‌ای چیزی برخلاف این است. در این سیستم تعیین می‌شود که در قبال هر ۶ نفر ورودی \$250 پورسانت داده می‌شود. فرد، نهایت کار و تلاشی که به‌صورت مستقیم انجام می‌دهد، برای دوفرد اول یا ۶ نفر اول، یا حداکثر اگر خوش‌بین باشیم ۶ نفر دوم است، اما برای ورود و خرید پول‌ها یا استپ‌های بعدی فرد به‌صورت مستقیم هیچ‌کاری انجام نمی‌دهد. پس بازاریابی او محدود است، اما پورسانت‌های او وسیع‌تر!

B: ولی حاج آقا، اثر یک لیدر همیشه توی مجموعه‌اش وجود داره. یعنی در اصل، گام‌های بعدی کار بازاریابی رو هم خودش به‌صورت مشاوره، راهنمایی و آموزش انجام می‌دهد. پس می‌شه گفت که افراد مجموعه، در هر مرحله از او تأثیر می‌پذیرن. علاوه بر اون که چنانچه سر رشته مجموعه وارد نمی‌شد و افراد خودش رو وارد نمی‌کرد، طبیعیه که نفر بیستم یا دوهزارم هم وارد نمی‌شد. و این مسئله خیلی روشنه.

حاج آقا: فرمایش شما درست است، اما در بازاریابی اسلامی، ملاک صدق و تطبیق یک موضوع، عرف است. عرفاً بین مردم می‌گویند: نفر سمت چپ و راست A یعنی C و B. توسط خود او بازاریابی شده‌اند، اما Y که نفر پنجاهم است توسط Z که نفر چهل و نهم است وارد شده، نه توسط A. اصلاً در بین مجموعه‌ها، سر رشته مجموعه، نفرات مراحل پایین را اصلاً نمی‌شناسد و طبعاً برای آنها هیچ زحمتی هم نکشیده، تا در ازای ورود آنها پورسانت بگیرد. در حالی که، در جعاله باید خود فرد کاری انجام دهد، تا مزد بگیرد.

B: حاج آقا، اگر ملاک زحمت لیدرهای ما برای بازاریابی، ساعت‌های متوالی وقت می‌ذارن. بعضی تمام وقت کار می‌کنن، و اتفاقاً تلاش زیادی انجام می‌دن. اینکه می‌کنن، این کار، تنبل پروره. شخص توی خونه می‌شینن و پول پارو می‌کنن، اصلاً این طور نیست.

حاج آقا: گفتم زحمت و بازاریابی، باید مستقیم باشد. وقت زیادی که افراد سیستم می‌گذارند، برای چند کار است: آموزش و کسب اطلاعات خودشان، برگزاری جلسات و گردهمایی‌ها، راهنمایی‌های غیرمستقیم و رفع اشکال، پیدا کردن افراد و جلب نظر آنها برای ورود به سیستم، آیا چیزی غیر از این است؟

B: خیر، همین طوره.

حاج آقا: خب، پس معلوم شد که بیشتر وقت آنها برای

Bissnessmen: حاج آقا، شما به چه دلیل می‌فرمایید که این تجارت باطل و حرومه؟

حاج آقا: خدمت شما جوانان فعال و خوش فکر عرض کنم که اسلام همیشه و در هر محیط اقتصادی، به دنبال کسب و تجارت سالم و مفید بوده، و شرایط آن را برای همه بیان کرده است، که در رساله‌های مراجع نیز آمده. با تحقیقی که انجام شده، فعالیت گلدکوشت از قسم تجارت‌های سالم نیست و بعضی نقایص و ایراداتی که دارد، از آن یک فعالیت مضر و مخرب ساخته است.

B: حاج آقا، شرایط تجارت سالم چیه که این شرکت‌ها اون رو ندارن؟

حاج آقا: ببینید! ما در فقه اسلامی ۲۲ نوع معامله داریم و هرکاری که جنبه تجاری دارد، باید یکی از آنها باشد و شرایط آن را داشته باشد. تجارت شبکه‌ای اگر ملاحظه بفرمایید دو قسمت است: یکی این چنین خریدی و دیگری بازاریابی. که البته هر دوی آنها قرین هم است. و به هردو چند ایراد اساسی وارد است.

اول اینکه همان طور که می‌دانید معامله گلدکوشت، معامله سلف است. یعنی ابتدا پول داده می‌شود و سپس جنس تحویل خریدار می‌شود. در معامله سلف، زمان تحویل جنس باید دقیقاً معلوم باشد؛ در حالی که، در این شرکت این زمان نامعلوم است و به تصریح بسیاری از اعضای آن، غالباً با تأخیر زیادی انجام شده و بعضاً نیز اصلاً به دست خریدار نرسیده است. جالب اینکه لیدرهای شرکت در پرنزنت‌های خود به افراد وعده ۲ یا ۳ ماهه می‌دهند و این خود نوعی فریب است.

B: حاج آقا، ببخشید! بعضی‌ها می‌گن که قیمت اجناس کمتر از قیمت واقعی اونهاست، در حالی که این حرف درست نیست؛ چرا که اجناس به وزن طلاشون فروخته نمی‌شه، بلکه ارزش اونا کلکسیونی بودن اونهاست. لذا قیمت رو فقط خود کمپانی تعیین می‌کنن. ارزش جنس هم به مرور زمان بیشتر می‌شه؛ لذا چه در داخل و چه در خارج می‌تونه اون رو بفروشه.

حاج آقا: خیلی خوب، بر فرض که قیمت سکه‌ها واقعی است. اما باید دید که مشتری پیش از خرید، درباره جنس و سکه‌ها چه فکری می‌کند. همان طور که در پرنزنت به او القا شده که سکه‌ها پس از چندماه چند برابر ارزش پیدا می‌کنند پس اگر به پورسانت هم نرسد از فروش سکه به سود می‌رسد و ... در حالی که، این پندارها باطل است، و جنس و ارزش آن چنانی پیدا نمی‌کند، اما اگر مشتری همه واقعیت را بداند و اقدام به خرید کند، از این جهت اشکالی وارد نمی‌شود.

B: حاج آقا، پس اینکه می‌گن، این معامله «اکل مال به باطل» است، یعنی همین مطالبی که فرمودید؟

حاج آقا: «اکل مال به باطل» یعنی اینکه پولی از راه باطل و حرام به دست آید و پول گلدکوشت دلائل مختلفی دارد که از راه باطل است، که یک موردش را گفتم.